

تجربه شخصی

عباس عبدي

از همان روز اولي که از آقای پزشکيان حمايت کردم، اطمینان داشتم که پیروز این انتخابات خواهد شد. باید تأکید کنم، این حضور انتخاباتي را وظیفه خود میدانستم و نه خدمت به شخص نامزد انتخاباتي. در نتیجه هیچ انتظاري هم از ایشان ندارم جز اینکه آقای پزشکيان بتواند در مسیر تحقق وعده‌هايش عمل کند و قدری از آلام و دردهای مردم را کم کند. بنده نیز همچنان در خدمت عرصه عمومي خواهم بود. لازم میدانم که اطلاع بدهم از همان لحظه اول تصمیم داشتم و به دوستانم هم گفته بودم که حضورم در انتخابات را چنین تعریف میکنم که شکست پزشکيان، شکست سياست‌ورزي من نیز هست و اگر او شکست می‌خورد، این آخرین یادداشت من خواهد بود و با اعلام و پذیرش شکست براي همیشه عرصه سياست و روزنامه‌نگاري سياسي را ترک می‌کردم. این تصمیم و مجازات قطعي در برابر خطاي تحلیلي خودم بود. در این مدت لحظه‌اي در پیروزي پزشکيان تردید نداشتم. در تمام این ۳۷ روز در پیروزي پزشکيان شك نداشتم، معتقد بودم که ظرفیت این کار وجود دارد و میتوان این ظرفیت را به فعلیت درآورد. هفته پیش از آن نیز با برخی از همکاران آقای پزشکيان صحبت کرده بودم نظراتم را دقیق گفته بودم. البته فقط دو، سه روز پیش از دور اول خبري شنیدم که قرار است آقای جليلي به نفع آقای قالیباف کنار برود که تصور کردم شاید اندکی از احتمال پیروزي آقای پزشکيان کاسته شود. نه فقط به این علت که آرای جليلي به سوي قالیباف سرریز میشود و برعکس آن نمیشود، بلکه دلایل دیگری داشت که جداگانه خواهم گفت. چنان که همگان میدانند لجاجت و قدرت‌طلبی آنان مانع از این وحدت صوري مبتني بر ضدیت با دیگری شد. به علاوه از ابتدا هم مساله اصلي من مشارکت بود و انتخاب آقای پزشکيان یا هر کس دیگری را (فرقي نمی‌کند) مقدم بر میزان مشارکت نمیدانستم. چون مساله رفتن به پاستور نیست، چگونه رفتن به آنجا مهم است. رفتني که با حمايت مردم نباشد، چاره‌ساز نیست. این حضور مردم است که اهمیت دارد و چقدر عليه این موضع من تبلیغ کردند. صادقانه بگویم که در طول این ۳۷ روز حتي لحظه‌اي به حرفه‌ايي که عليه من زدند، گوش نمی‌کردم و از آنهایی هم که برحسب تصادف می‌شنیدم، ناراحت نمی‌شدم.

بسیاری می‌پرسند چگونه به این اطمینان رسیده بودی که آقای پزشکیان پیروز این انتخابات است؟ و چگونه پیش‌بینی‌های انتخاباتی درست و دقیق بود؟ من سعی می‌کنم پاسخ این پرسش را بدهم.

از نظر خودم این خیلی ساده است و قواعد روشن و ساده‌ای برای آن وجود دارد که اگر دیگران هم به آن پایبند باشند، می‌توانند چنین کنند. سه عامل در شکل‌گیری این رویکرد موثر است. اول وجود مواد خام و اطلاعات لازم، دوم تحلیل آن مواد و سوم نیز بی‌طرفی تحلیلی. اطلاعات و داده‌های خام تحلیل‌های من از مرکز آمار، پیمایش‌های اجتماعی و نظرسنجی‌ها است برای اخبار ویژه و مثلاً محرمانه هم پیش‌بینی ارزش قائل نیستم. همه آنها فریب‌دهنده است و در موضوع اخیر، استفاده از نظرسنجی‌ها نقش مهمی داشتند. برخلاف تبلیغاتی که علیه نظرسنجی‌ها شد، دقیق‌ترین اطلاعات را در اختیار می‌گذاشتند.

اشتباه آنها در سنجش میزان مشارکت در دور اول نیز تا حدودی طبیعی بود؛ هر چند به علت ممنوعیت تاسفبار آنها از انتشار اطلاعات و نیز دولتی بودن آنها، امکان حضور کارشناسان دیگر برای کم کردن خطا وجود ندارد و این تقصیر کارشناسان این نهادهای نظرسنجی نیست. دو نظرسنجی آرا و ایسپا همچنان با فاصله از دیگران قرار دارند؛ هر دو پایه‌های مشترکی دارند. به طور قطع نظرسنجی‌ها از هر جهت مفید هستند. نظرسنجی عامل مهمی در اعتبار دادن به نتایج انتخابات است. اکنون با وجود نظرسنجی‌های گوناگون کسی نمی‌تواند نسبت به وجود تقلب (موارد جزئی را کاری ندارم) و تغییر در میزان آرا و مشارکت ایرادی بگیرد. اگر در سال ۱۳۸۸ نیز موسساتی معتبر و مستقل در دسترس بودند، شاید هیچگاه شاهد آن حوادث تاسفبار نمی‌شدیم. جهت اطلاع کافی است که بگویم در شرایط ناپایدار سیاسی ایران پیش‌بینی‌های زیر موجب افتخار نهاد نظرسنجی است. موسسه پرسش نیز به سفارش ستاد آقای پزشکیان چند نظرسنجی انجام داد که همپای دیگران بود.

این حد از خطای پیش‌بینی در شرایطی که جریان سیال سیاسی وجود دارد و فضای فرهنگی مناسبی هم برای کار وجود ندارد، عالی است. برآورد کمتر از میزان مشارکت نیز احتیاطی است که آنها به علت خطای دور اول دچارش شدند. به جز این سه مورد نظرسنجی‌های دیگر هم بودند که قابل قبول بودند که قصد ذکر تک‌تک آنها را ندارم. در هر حال، تحلیلگر باید داده‌های خام معتبری داشته باشد و بداند که کدام‌ها معتبر است. ولی داده کافی نیست؛ باید با اصول تحلیل و استفاده از داده‌ها و ترکیب آنها با یکدیگر نیز آشنا بود. لزوماً تولیدکننده

